

از هشتک کولبران را نکشید، تا محاکمه عاملان و آمران کشتار کولبران راهی نیست!

صفحه ۲

یدی محمودی



پیش بسوی اعتصاب عمومی

حمید تقوائی



آغاز اعتصاب چندین پالایشگاه نفت و گاز و پتروشیمی ها بدنبال ۵۰ روز اعتصاب پیگیر و متحد کارگران نیشکر هفت تپه نوید بخش دور تازه ای از اعتصابات کارگری و اولین گامها در جهت سراسری شدن این اعتصابات است. حزب ما از دی ماه ۹۶ مدام بر اهمیت و ضرورت اعتصابات عمومی و سراسری تاکید کرده است و اکنون شاهد گسترش اعتصابات، بویژه در مراکز کلیدی صنعت نفت، هستیم. این واقعیت موضوع را از سطح تبلیغ و گفتمان و فراخوان عمومی فراتر میبرد. اکنون باید گسترش اعتصابات کارگری را بر متن فضای عمومی اعتراضی در جامعه و چشم انداز خیزش توده ای علیه جمهوری اسلامی قرارداد و بر نقشی که جنبش کارگری میتواند در خیزش عمومی برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی ایفا کند متمرکز شد. این بار چنین به نظر میرسد که جنبش سرنگونی بر دوش مبارزات کارگری و با محوریت این مبارزات اوج خواهد گرفت. زمینه ساز برآمدهای قبلی در ۹۶ و ۹۸ نیز جنبش کارگری بود اما این بار اعتراضات و مبارزات کارگری میتواند نه تنها زمینه ساز بلکه همراه و حامی و عامل تقویت

صفحه ۲

نقش منصور حکمت در فعالیت های نظامی کومه له مصاحبه سیما بهاری با اصغر کریمی

صفحه ۳

اعتراض برای نجات پنج معترض دیماه ۹۶ ادامه دارد، چهار نفر از آنها با خانواده خود ملاقات کردند

صفحه ۷

کمیته بین المللی علیه اعدام

جنایات جانیان اسلامی حاکم در ایران را باید پایان دهیم! هه ژار علیپور

صفحه ۸

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۸

عزیزه لطفی

اطلاعیه های حزب ویژه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

- * اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در روز ۵۱
- * پنجاهمین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه
- * برگزاری مجمع عمومی کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری
- * اعتصاب کارگران وارد چهل و نهمین روز شد
- * اعتصاب متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه در چهل و هشتمین روز
- * اعتصاب متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه وارد چهل و ششمین روز شد
- * روز چهل و پنجم اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

صفحه ۹



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از هشتک کولبران را نکشید، تا محاکمه عاملان و آمران کشتار کولبران راهی نیست!



یدی محمودی

نداده اند و حشیانه به قتل رسیده اند که می توان به قتل سوران اختر اهل روستای رروار در منطقه اورامان اشاره کرد که در روز ۱۳ خردادماه توسط نیروهای پژاک بخاطر نپرداختن باج خواهی آنها به طرز وحشیانه ای به قتل رسید.

باز در کنار همه این مصائب در ماههای گذشته نیروهای اتحادیه مهینی کردستان که مرزهای بانه، مریوان، پاره و نوسود را در اختیار دارند بارها به اذیت و آزار کولبران پرداخته اند و مانع عبور و مرور آنها شده اند. تنها در دو ماه گذشته در مرزهای استان کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی ۴۷ مورد از کشته و زخمی شدن کولبران توسط سازمان حقوق بشر هنگام به ثبت رسیده که شامل موارد زیر است، ۴۰ مورد شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر رژیم به مرگ ۱۲ کولبر و زخمی شدن ۲۸ تن از آنان انجامیده است و بقیه هفت مورد هم بر اثر انفجار مین و حوادث طبیعی ۱ نفر کشته و شش نفر زخمی شده اند.

در پاسخ به این همه بی حقوقی، اخیراً در فضای مجازی و عمدتاً توئیتر هشتگی با نام #کولبران را نکشید، به راه افتاده که سریعاً توجه صدها هزار نفر را بخود جلب کرده و به ترند هشتک کاربران ایران تبدیل می شود و این دقیقاً در شرایطی است مردم به دفاع از کولبران بر می خیزند که در همین دو هفته گذشته سرکوبگران رژیم در شهر بانه ۱۰ شهروند این شهر را به جرم دفاع از کولبران در دو سال گذشته به زندان، شلاق و جریمه نقدی محکوم کرده بودند. رژیم اسلامی در مقابل مبارزه و تلاش مردم به جان آمده از هیچ جنایت و پرونده سازی و بگیر و ببندی دریغ نکرده است، اما شرایط مبارزه امروز بخشهای مختلف جامعه ایران چنان فضا را به نفع مبارزه آزادیخواهان مردم تغییر داده است که دور نیست روزی که کلیه عاملان، آمران و سرکوبگرانی که در کشتار مردم و بویژه کولبران دست داشته اند، دستگیر و محاکمه شوند. باید با صدای رساتر خواهان پایان دادن به اذیت و آزار و کشتار کولبران شد، باید خواستار تامین کار مناسب یا بیمه بیکاری برای کولبران شد و بویژه در این شرایط کرونایی باید خواستار فوری و بی قید و شرط تامین معیشت کولبران، خانواده هایشان و همه مردمی که کرونا شغل و درآمد آنان را از بین برده است شد.

سوم آگوست ۲۰۲۰

از صفحه ۱ پیش بسوی اعتصاب...

فعالین نیاز دارد. اینجا نقش پیشروان و نهادها و چهره های جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی و بویژه نقش حزب بعنوان نیروی حاضر و دخالتگر و دست اندر کار در جنبش کارگری و در جنبش سرنگونی برجسته و تعیین کننده میشود. چگونه میتوان این نقش را ایفا کرد؟ تحولات چند هفته اخیر به ما راه نشان میدهد.

در چند هفته اخیر علیه حکم اعدام معترضین آبان ماه يك توفان و يك نوع رفراندوم و آکسیون میلیونی در مدیای اجتماعی شکل گرفت. این يك تعرض قدرتمند است که تا کنون موفق شده اجرای احکام اعدام در مورد دستگیرشدگان اعتراضات آبان ۹۸ و دیماه ۹۶ را متوقف کند. این کمپین با پیام #اعدام_نکنید شروع شد و اکنون با #آزادشان_کنید و #غرفوری_اعدام همچنان ادامه دارد. این اعتراض گسترده به حکم و مجازات اعدام به يك ترند جهانی تبدیل شد و حمایت بیش از ۱۰ میلیون نفر را از ایران و خارج ایران با خود داشت اما اهمیت اش تنها در دامنه گسترده آن نبود بلکه نوع و الگوی تازه ای از عمل مستقیم مبارزاتی را در برابر جامعه قرار داد. در حال حاضر برای به تعویق انداختن کنکور سراسری

#تعویق_کنکور_ارشد_سراسری (، علیه حمایت رژیم از طالبان) #طالبان_باج_ندید (، علیه کشتن کولبران) #کولبر_نکشید (و در دفاع از حقوق کارگران) #دفاع_از_حقوق (نیز حرکتیهای مشابهی در مدیای اجتماعی در جریان است و حمایت هزاران نفر را به خود جلب کرده است. اکنون باید این نوع آکسیونهای اینترنتی را، که بیگمان با يك روند تصاعدی حول مسائل مختلف شکل خواهد گرفت، نیز به شیوه ها و اشکال شناخته شده و معمول اعتراض و مبارزه نظیر تجمعات و تظاهرات خیابانی و اعتصابات و غیره، افزود. این شیوه تازه نه تنها در ایجاد فضای سیاسی و زمینه سازی برای اعتراضات میدانی نقش موثری ایفا میکند بلکه خود يك آکسیون و عمل مستقیم اعتراضی بشمار میرود که میتواند

گسترش پیدا کند. اعتصابات که در عین حال با يك رفراندوم و جلب حمایت عمومی نه تنها در جامعه ایران بلکه در مقیاس جهانی همراه باشد.

هم اکنون کارگران صنعت نفت (پالایشگاهها و پتروشیمی ها) با کمپین #دفاع_از_حقوق_اعتصاب خود را آغاز کرده و افکار عمومی را به خود جلب کرده اند. این اعتصابات و همچنین اعتصاب پیگیر کارگران نیشکر هفت تپه، تا کنون با انتشار بیانیه هائی از جانب ده ها اتحادیه و انجمن و کمیته و نهاد کارگری و جمعهای از کارگران و دانشجویان مورد حمایت قرار گرفته است. کمپین "دفاع از حقوق" میتواند موج همبستگی و حمایت از اعتصابات کارگری را در سطح بسیار وسیعتری در ایران و در دنیا و در میان نهادها و کمیته ها و ان جی او ها و سازمانهای مردم نهاد و نویسندگان و هنرمندان و سلبریتی های آزادیخواه گسترش بدهد.

بکارگیری فعالانه و سازمانیافته مدیای اجتماعی موثرترین و کارآترین شیوه برای تحقق این هدف است. طبقه کارگر با مبارزه علیه فقر و فلاکت و برای افزایش دستمزدها، اعتراض به اختلاس و دزدی و فساد که سرتاپای حکومت را فراگرفته است، اعتراض به زندان و شکنجه و بجالش کشیدن بیدادگاههای حکومتی، و بالاخره بلند کردن پرچم اداره شورائی، در واقع کل توده مردم، نود و نه درصدیهای جامعه، را نمایندگی میکند. میتوان و باید کمپین "دفاع از حقوق" کارگران و حمایت از اعتصابات کارگری را مانند رفراندوم اینترنتی علیه اعدام، به يك آکسیون حمایتی میلیونی بدل کرد. این خود يك عامل تعیین کننده در شکل گیری اعتصاب عمومی و يك گام مهم در جهت سرنگونی حکومت اسلامی است.

۳ اوت ۲۰

میتوان و باید کمپین "دفاع از حقوق" کارگران و حمایت از اعتصابات کارگری را مانند رفراندوم اینترنتی علیه اعدام، به يك آکسیون حمایتی میلیونی بدل کرد.

نقش منصور حکمت در فعالیت های نظامی کومه له

مصاحبه سیما بهاری با اصغر کریمی



در کومه له در فرصت دیگری خواهیم پرداخت.

سیما بهاری: در مورد نقش و جایگاه سیاسی منصور حکمت در جنبش چپ و کمونیسم و مشخصاً در کومه له خیلی گفته شده و البته باز هم جا دارد که مورد بررسی قرار بگیرد. اما منصور حکمت در عرصه فعالیت های نظامی کومه له نیز جایگاه بسیار مهمی دارد که در این مورد خیلی کم بحث شده است. در برنامه گفتگویی امروز به این جنبه از تاثیرگذاری منصور حکمت و نقش او در این عرصه خواهیم پرداخت و این شروعی خواهد بود برای وارد شدن به این مبحث. میرویم سراغ اصغر کریمی که سالهای زیادی و با مسئولیتهای گوناگون در کردستان و در تشکیلات کومه له بوده است و خودش بخشی از این تاریخ بوده است.

نقش منصور حکمت لاقابل برای کسانی که در آن تاریخ، یعنی سه چهار دهه قبل حضور نداشتند، بیشتر به تاثیرات سیاسی او در کومه له خلاصه میشود. اما در مورد نقش او در فعالیت های نظامی کومه له کمتر صحبت شده و این موضوع کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. نقش منصور حکمت را در عرصه نظامی چگونه ارزیابی میکنید؟

اصغر کریمی: این موضوع مربوط به سه دهه تا چهارده قبل است سالهای بعد از قیام ۵۷ و دهه شصت. جمهوری اسلامی پس از به قدرت رسیدن دست به حمله نظامی به کردستان زد و نیروهای مسلح هم که پایگاه وسیعی در میان مردم داشتند شروع به مقاومت مسلحانه کردند و از حمایت توده ای وسیعی نیز برخوردار بودند. این بحث به این معنی مربوط به کومه له امروز و اینکه بعد از آن دهه چه اتفاقات سیاسی افتاد نیست. مربوط به دوره ای است که حزب کمونیست ایران تشکیل میشود و منصور حکمت و رفقای دیگری که جز سازندگان اصلی

جانشان را نجات بدهند و هم فعالیت شان را ادامه بدهند. پس از یک دوره آموزش کوتاه به منطقه مهاباد فرستاده شدم و در یک دسته ای که در روستاهای "شهریوران" مهاباد در میان مردم کار سیاسی و تشکیلاتی میکرد سازماندهی شدم. مردم این منطقه خیلی هایشان در کوره خانه های خارج از کردستان کار میکردند و زبان فارسی را خوب میدانستند و در نتیجه من هم که هنوز کردی نمیدانستم راحت میتوانستم با آنها صحبت کنم، در جمع های آنها سخنرانی کنم و اهداف کومه له و حزب کمونیست ایران را تبلیغ کنم. در این مقطع اساساً نقش مروج داشتم. پس از مدت کوتاهی به کنگره چهار کومه له دعوت شدم و سپس عضو کمیته ناحیه مهاباد، مسئول سیاسی گردان و مسئول کمیته های بخش های مختلف این منطقه شدم. زمستان ۶۳ حزب دمکرات جنگ سراسری با کومه له را شروع کرده بود. در این مقطع کمیته ناحیه سقز کومه له مشکلات عایدی ای داشت و مرتب نیرو از دست میداد. در اوایل تابستان سال ۶۴ در تماسی با کمیته مرکزی کومه له پیشنهاد کردم مسئولیت کمیته سقز را بعهده بگیرم که بلافاصله با پیشنهادم موافقت شد و بعنوان دبیر کمیته سقز شروع به فعالیت کردم. در کنگره پنجم کومه له که زمستان ۶۴ برگزار شد بعنوان عضو کمیته مرکزی کومه له انتخاب شدم و در شورای نویسندگان رادیوی کومه له، به اسم رادیو صدای انقلاب ایران، و کمیته تشکیلات شهرهای کردستان سازماندهی شدم. مدتی بعد از آن مسئول دبیرخانه کومه له شدم و برای مدتی هم تا قبل از اینکه برای شرکت در کنگره سوم حزب به خارج کشور بیایم دبیر ناحیه مهاباد کومه له بودم.

سیما بهاری: قبل از اینکه به نقش منصور حکمت در سیاست نظامی بپردازیم اجازه بدهید این سؤال را طرح کنم چرا در کردستان مبارزه علیه جمهوری اسلامی حالت نظامی بخودش گرفت، چه ویژگی خاصی در این منطقه بود، در سایر نقاط کشور هم زنان، کارگران بیکار و غیره مبارزه با جمهوری اسلامی را شروع کردند اما چرا در کردستان جنگ شد؟ فرق کردستان با سایر نقاط کشور چه بود؟ آیا راه دیگری نبود که به شکل دیگری مبارزه شود؟

اصغر کریمی: فعالیت نظامی هم بخشی از مبارزه انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی بود. بعد از سرنگونی حکومت شاه، انقلاب ادامه پیدا کرد. اعتراضات توده ای و اعتراضات

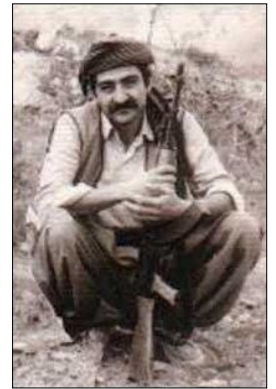
کارگری گسترش می یافت، کارگران شوراهایشان را تشکیل میدادند، در دانشگاه ها تحریک سیاسی فوق العاده حادی جریان داشت، تظاهرات دهها هزار نفره و پرشور زنان در روز جهانی زن را داشتیم و مقاومت علیه فشارهایی که علیه آنان برای حجاب و غیره شروع شده بود. اما در کردستان سیر رویدادها متفاوت بود. از یک طرف ناسیونالیسم کرد فرصتی یافته بود که تحت عنوان خواست خودمختاری و رفع ستم ملی سهم خواهی کند و از طرف دیگر در دل تحولات انقلابی یک عده کمونیست انقلابی نیز پا به عرصه سیاست گذاشتند که علیرغم هر ناروشنی و آلودگی به ناسیونالیسم کرد، در مقابل سرکوبگری های حکومت دست به ایستادگی و سازماندهی مردم زدند. و به درست متوجه شدند که باید برای مقابله با توحش حکومت و جلوگیری از حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان دست به اسلحه بزنند. رژیم به میروان یورش برده بود و کمونیست های میروان کوچ تاریخی مردم را سازمان داده بودند و اولین مقر سپاه پاسداران در میروان را خلع سلاح کرده بودند. در سنجند فقط چند هفته پس از قیام و قدرت گیری جمهوری اسلامی، شاهد نرورز خونین سنجند بودیم و بدنبال آن انواع تحرکات و توطئه های حکومت شروع شده بود و در عکس العمل به این توطئه ها عملاً قیامی تازه به رهبری کمونیست ها شروع شده بود. ۲۳ تیر سال ۵۸، خمینی فرمان هجوم نظامی به کردستان را داد تا از جمله کمونیست ها قلع و قمع کند و جلو سیر صعود نفوذ سیاسی آنها را بگیرد. در جایی مثل ترکمن صحرا هم مردم دست به اسلحه بردند و درگیری های نظامی رخ داد. در جنگل های شمال کشور هم تعدادی از کمونیست ها مشغول مبارزه مسلحانه شدند. اما در این مناطق اوضاع با کردستان تفاوت های زیادی داشت و به همین دلیل مبارزه مسلحانه در این مناطق توده ای نشد و دوام زیادی نیابرد. در کردستان مردم توهمی به جمهوری اسلامی نداشتند و فضا یکپارچه علیه جمهوری اسلامی بود و بدلائل مختلف از جمله وجود مساله ملی و سنت کار نظامی تفاوت های بسیار زیادی با سایر نقاط کشور داشت. بهروز از اوایل سال ۵۸ یعنی چند هفته پس از سر کار آمدن جمهوری اسلامی لشکرکشی بیرحمانه و جنایتکارانه به کردستان شروع شد. با توپ و تانک و خپاره شروع به کوییدن مردم کردند، دادگاههای صحرایی به راه انداختند و خلعخالی و جلائی پور و سایر جنایتکاران حکومت دست به اعدام های وسیعی زدند. مردم هم یکپارچه

این متن مصاحبه ای است که ابتدا حدود یک سال قبل در کانال جدید با اصغر کریمی انجام شده و سپس بصورت ضمیمه انترناسیونال شماره ۸۲۲ در ژوئن ۲۰۱۹ منتشر شده است که بدلیل نقش و جایگاه منصور حکمت در فعالیت نظامی کومه له، در این شماره ایسکرا تجدید چاپ شده است.

ایسکرا

نقش و تاثیرات منصور حکمت در جنبش کمونیستی ایران عظیم و همه جانبه است. در باره جایگاه او در عرصه های تئوریک، سیاسی، برنامه ای، سبک کاری و سازمانی و غیره، هرچند ناکافی، اما بحث های نسبتاً زیادی صورت گرفته و اسناد و نوشته های زیادی از خود منصور حکمت منتشر شده است. اما در مورد نقش او در حوزه هایی از جمله در فعالیت های نظامی کومه له در دهه اول بعد از حاکمیت جمهوری اسلامی تا جایی که من بخاطر دارم، بجز اشارات جسته و گریخته بحث مستقلی ارائه نشده است. از آنجا که از نزدیک شاهد برخی مباحث و اظهار نظرهای منصور حکمت و تاثیرات مستقیم و مهم او در عرصه فعالیت نظامی کومه له بودم، مدتها بود در نظر داشتم به این موضوع بپردازم. اخیراً به مناسبت سالروز درگذشت منصور حکمت، سیما بهاری در تلویزیون کانال جدید با من مصاحبه ای داشت که متن زیر را بر اساس آن تنظیم کرده ام. این نوشته تکمیل تر از مصاحبه شفاهی است، نکاتی که یا در بحث شفاهی فراموش کردم و یا فرصت باز کردن آن نبود به این متن اضافه شده و از جمله دو جا از نوشته های منصور حکمت نقل قول شده است، نکاتی را نیز تدقیق کرده ام. اهمیت این مساله از یکطرف بدلیل ناآشنایی نسل جوانی است که اطلاع چندانی از این مساله ندارد و از طرف دیگر تحریفات زیادی است که رهبری کومه له پس از جدایی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران بدان دست زده است. همینجا اشاره کنم که به نقش سیاسی منصور حکمت

از صفحه ۳ نقش منصور حکمت در ...



شروع به مقاومت کردند و دست به اسلحه بردند. سازمان های سیاسی هم چپ و هم ناسیونالیست یعنی کومه له و حزب دمکرات از حمایت توده ای برخوردار بودند و شروع به مقاومت مسلحانه کردند و به این ترتیب مبارزه مسلحانه بعنوان شکلی از مبارزه عادلانه مردم علیه جمهوری اسلامی برای سالها ادامه یافت. اگر در تهران و سایر نقاط کشور هم مردم آمادگی داشتند، علیه اعدام ها و سرکوب ها و جنایاتی که جمهوری اسلامی شروع کرد دست به اسلحه میبردند.

سیما بهاری: در حالیکه جنگ با جمهوری اسلامی در جریان بود از سال ۱۳۶۳ حزب دمکرات هم جنگی سراسری با کومه له را شروع کرد. چرا؟ جریان چه بود؟

اصغر گریمی: در آبان ۶۳ حزب دمکرات با تیراندازی به پیشمرگان کومه له که خانواده هایی را به شهر همراهی میکردند و سپس حمله سازمانیافته و طبق نقشه به مقرهای کومه له در این منطقه جنگی سراسری را به کومه له تحمیل کرد. یکی از مقرهای کومه له را به آتش کشید و ۱۰ نفر از پیشمرگان کومه له، بعضا مجروح، را در چند نقطه اعدام کرد. حتی نزدیک به ۳۰ نفر از هواداران غیر مسلح کومه له را دستگیر و زندانی کرد. هدف حزب دمکرات این بود که کومه له را مجبور به تخلیه منطقه اورامان کند. قبل از آنهم چندین بار علیه نیروهای کومه له کمین گذاشته بود اما اینبار عملا اقدام حزب دمکرات به یک جنگ سراسری تبدیل شد. کومه له تلاش زیادی کرد که از راه سیاسی مساله را حل کند. هیئت هایی برای رسیدگی به این مساله تشکیل شد که با اسناد و شواهد موقف راهی برای کتمان مساله توسط دمکرات باقی نماند. خواست کومه له این بود که مسئولان این جنایت توسط حزب دمکرات به مردم معرفی و محاکمه

شوند و علاوه آزادی فعالیت سیاسی برای همه مردم و فعالیت کومه له از جانب دمکرات برسمیت شناخته شود اما این تلاش ها به جایی نرسید و حزب دمکرات به شیوه ای قلدرمنشانه زیر بار نرفت. جنایت حزب دمکرات و گسترش توطئه توسط این حزب و بن بست مذاکره و راه حل سیاسی، تشنج را به اوج خود رساند. این مقطعی بود که کومه له نمیتوانست سکوت کند، لازم بود زورگویی حزب دمکرات را مسلحانه جواب بدهد و مانع ادامه جنایات آن و نقض آزادی های مردم شود. سیاست کومه له بسیار مسئولانه و عادلانه بود. بدینترتیب متأسفانه جنگی که در آبان توسط حزب دمکرات به کومه له تحمیل شد در سراسر کردستان ادامه یافت که حدود چهار سال طول کشید و صدها نفر از نیروی دو طرف قربانی این سیاست حزب دمکرات شدند.

به این ترتیب از آبان ۶۳ کومه له همزمان درگیر دو جنگ شد از یکطرف علیه جمهوری اسلامی و از طرف دیگر علیه یک نیروی پارتیزان. این دوره یکی از دشوارترین دوره های فعالیت کومه له بود.

علت اصلی توطئه های حزب دمکرات علیه کومه له این بود که حزب دمکرات رو به ضعف و انزوا میرفت. بتدریج از نظر سیاسی موقعیتی بحرانی پیدا میکرد در حالیکه یک جریان سوسیالیستی به سرعت در حال رشد بود و اینهم بحران دمکرات را تشدید میکرد. علت پایه ای این مساله این بود که جامعه کردستان هم یک جامعه شهری بود، مثل سایر نقاط کشور سرمایه داری حاکم شده بود و فرهنگ و سنت های حزب دمکرات بسیار از جامعه عقب بود. جامعه ای که روزبروز افکار سوسیالیستی و پیشرو در آن زمینه رشد مساعدتری پیدا میکرد. حزب دمکرات سرمایه داری بودن کردستان و وجود کارگران را انکار میکرد و عملاً در مقابل کارگران قرار میگرفت و از سرمایه داران کرد دفاع میکرد، سنت های عقب مانده ناسیونالیستی، مذهبی و ضد زن را دامن میزد و روزبروز با واقعیت جامعه شهری و مدرن کردستان بیشتر فاصله میگرفت. در مقابل روی آوری وسیعی به طرف کومه له شروع شده بود، نفوذ سیاسی کومه له در میان مردم شهر و روستا گسترش می یافت و سالانه صدها نفر به نیروی مسلح کومه له میپیوستند و حزب دمکرات تصور میکرد با حمله نظامی به کومه له و

شکست نظامی کومه له میتواند جلو انزوای خود و جلو رشد کومه له را بگیرد و خود را از این وضعیت نجات بدهد. اما بدلیل سیاست های هوشیارانه و مسئولانه کومه له، نفوذ و قدرت کومه له و کلا حقانیت کومه له، حزب دمکرات در عرصه نظامی هم شکست خورد و این به شکست سیاسی سختی برای دمکرات تبدیل شد و به انشعاب بزرگی در این حزب منجر شد.

سیما بهاری: بهر دازیم به نقش منصور حکمت. کومه له همینطور که توضیح دادید درگیر دو جنگ بود. منصور حکمت خودش آن موقع کجا بود، اگر در کردستان نبود چطور میتوانست از فعالیتهای نظامی کومه له مطلع شود و نه تنها مطلع شود بلکه بتواند اشکالات را ببیند، نظر دهد، خط مشی بدهد و روی فعالیت نظامی کومه له تاثیر بگذارد؟

اصغر گریمی: منصور حکمت هم مثل خیلی از مبارزین دیگر در سال ۶۰ به مناطق آزاد کردستان آمد همراه با حمید تقوایی و سایر رهبری اتحاد مبارزان. نزدیکی های سیاسی کومه له و اتحاد مبارزان از قبل شروع شده بود و پس از آمدن رهبری اتحاد مبارزان به کردستان این نزدیکی بیشتر شد و سرانجام منجر به همنظری کامل و تشکیل حزب کمونیست ایران شد که در کنگره موسس آن بخش هایی از جریان فدایی و پیکار و... هم شرکت داشتند. منصور حکمت یکی دو سال در کردستان بود و پس از رفتن به خارج کشور نیز از طریق مکاتبه و ملاقات با رفقای که به خارج رفت آمد میکردند و همینطور سفر خود او به کردستان برای شرکت در کنگره های حزب و کومه له، از نزدیک در جریان مسائل کومه له و از جمله فعالیت های نظامی و نظرات و مشکلات این عرصه قرار داشت و میتوانست نظر بدهد و تاثیر بگذارد.

سیما بهاری: منصور حکمت به پارتیزان ها یا پیشمرگان کومه له بعنوان انسانهایی که اسلحه بدست گرفته و در خطر دائم قرار داشتند چطور نگاه میکرد؟

اصغر گریمی: کلا انسان و جان انسان جایگاه ویژه ای در تفکر منصور حکمت داشت. در نتیجه ضمن اینکه فکر میکرد باید علیه جمهوری اسلامی فعالیت کرد از جمله در فعالیت نظامی هم علیه جمهوری اسلامی و هم علیه قلداری های حزب دمکرات شرکت کرد اما تلاش میکرد کومه له کمتر درگیر جنگ های دفاعی که طبق نقشه خود

کومه له نبود و جنگ های پرتلفات بشود و تاکتیک های نظامی مناسب تری اتخاذ کند. یک سنت ریشه دار ناسیونالیستی در کردستان مخصوصا کردستان عراق وجود داشت که کسی که وارد فعالیت نظامی میشد تا آخر عمر باید اسلحه روی دوشش باشد و اگر زمانی نتواند یا نخواهد در فعالیت نظامی باشد انگار دست از مبارزه کشیده است چون در این سنت ناسیونالیستی فعالیت نظامی همه چیز بود. در این سنت پیشمرگ ورودی داشت اما خروجی نداشت که سنتی بسیار غیر انسانی بود. منصور حکمت نظرش این بود که نباید در سنت ما یک نفر برای سالهای طولانی در خط مقدم جبهه باشد و بعد از مدتی که افراد در خط مقدم جبهه و مواجه با خطر جانی و مجروح شدن هستند باید به پشت جبهه منتقل شوند و رفقای جدیدی جای آنها را بگیرند که آنها هم فرصت کنند ابعاد دیگری از زندگی را تجربه کنند، تجارب مبارزاتی خود را به دیگران منتقل کنند، و این نگاه متفاوتی بود نسبت به پیشمرگ بعنوان یک انسان.

سیما بهاری: کومه له هم زمان در گیر دو جنگ بود. با جمهوری اسلامی و با حزب دمکرات. نقش منصور حکمت در جنگ با جمهوری اسلامی و در جنگ با حزب دمکرات چه بود؟ اجازه بدهید ابتدا به نقش منصور حکمت در جنگ با جمهوری اسلامی بپردازیم.

اصغر گریمی: اجازه بدهید خاطره ای بگویم از کنگره پنجم کومه له در زمستان ۶۵ که در کردستان عراق در یکی از اردوگاه های کومه له برگزار شد و بلافاصله بعد از آنهم کنگره دوم حزب بود. بیش از یکسال بود که جنگ با دمکرات ادامه داشت، اکثر مناطق آزاد و مناطقی که نیروی مسلح میتوانست در آنها رفت و آمد کند توسط جمهوری اسلامی اشغال شده بود، در روستاهای زیادی پایگاه و مقرات خود را دایر کرده بود، تحریک نیروهای جمهوری اسلامی بیشتر شده و برآمد انقلابی هم در کار نبود. جمهوری اسلامی جنبش کارگری و دانشجویی و کلا انقلاب را در سطح کشور سرکوب کرده بود، دهها هزار نفر را اعدام و فعالیت نیروهای اپوزیسیون را به شدت محدود کرده بود و بدرجات زیادی خود را تثبیت کرده بود و در نتیجه میتوانست با آمادگی بیشتری نیروی مسلح در کردستان را عقب براند و هرچه بیشتر مانع حضور آنها در میان مردم و تعرض به پایگاههای خود بشود. در چنین شرایطی امکان تحریک نیروی پیشمرگ و گشت سیاسی و نظامی آن بشدت محدود شده بود.

تقریباً همه جا اشغال شده بود، دیگر امکان حضور گردان های کومه له که تا این مقطع در دسته های ۱۰۰ و ۱۵۰ نفره در زمستان و تابستان حرکت میکردند و گاهی در شهرها حضور پیدا میکردند نبود. ابهام و بی افقی بر صفوف کومه له و کادرها و فرماندهان و کل نیروی مسلح کومه له حاکم شده بود هرچند زیاد از آن حرفی زده نمیشد. این وضعیت کاملاً در ذهن هست. آنموقع مسئول ناحیه سقز بودم و علیرغم موفقیت های نظامی چشمگیری که در عرض یک سال داشتیم و در دی یا بهمن ۶۴ پایگاه بزرگی را هم در روستای جوش بدون هیچ تلفات و مجروحی تسخیر کرده بودیم، ولی کاملاً احساس میکردیم که نیرویمان بی روحیه است یا بهتر بگویم بی افق است. میدیدند که در دل زمستان هم نیروهای سرکوب حکومت بلافاصله پایگاه خود را بازسازی میکنند و مقرات جدیدی دایر میکنند و دو ماه دیگر که بهار میشود و تحریک نیروی دشمن بسیار بیشتر میشود جایی برای ماندن و فعالیت کردن نمانده است. زمستان ها نیروی جمهوری اسلامی به میزان زیادی زمینگیر بود چون پایگاه توده ای نداشت و بسیار ضربه پذیر بود اما با اشغال هرچه بیشتر مناطق امکان تحرک حتی در زمستان هم بیشتر شده بود. منطقه آزاد یا نیمه آزادی که بتوان در آنها گشت سیاسی و نظامی داد نمانده بود و سراسر روستاهای کردستان اشغال شده بود. در صحبتی که با کادری کومه له در نواحی سنندج و مریوان و غیره داشتم متوجه شدم که آنها هم کم و بیش با چنین مشغله ای مواجهند و از ناروشنی کادرها صحبت میکردند. این وضعیت نمیتوانست ادامه پیدا کند. باید راهی برای خروج از این وضعیت و تداوم مبارزه پیدا میکردیم. کمیته مرکزی کومه له هرچند محدودیت ها و مشکلات حضور در مناطق اشغالی را میدید اما تحولی در نحوه فعالیت را پیشنهاد نمیکرد و راه حل جدیدی ارائه نمیداد.

منصور حکمت پاسخ این مساله را خیلی روشن در کنگره پنجم کومه له در زمستان سال ۶۴ داد. او تأکید کرد که فعالیت نظامی در کردستان یک پای جنبش انقلابی مردم است و باید شعله ور نگه داشته شود. مبارزه مسلحانه در کردستان مانع سلطه بلامنازع جمهوری اسلامی در کردستان شده، مبارزات توده ای را تقویت کرده و نفوذ یک جریان کمونیستی را گسترش داده است و تداوم آن مهم است اما شرایط تغییر کرده است و باید متناسب با شرایط تغییراتی در کار نظامی ایجاد کنیم.

از صفحه ۴ نقش منصور حکمت در ...



مرزها تقدسی ندارد. نیروی پیشمرگ و گردانها و کمیته ها و نیروی تدارک و غیره به این طرف مرز یعنی خاک عراق بیایند، در اردوگاه های کومه له بعنوان پایگاه خود مستقر شوند و هر چند وقت یکبار در دسته های بیست سی نفره چابک و زنده و رزمی برای مدت کوتاه چند هفته ای به داخل کردستان ایران بروند، در میان مردم حضور پیدا کنند، هر جا میتوانند عملیاتی انجام بدهند و مجدداً به پایگاه های خود بازگردند. لازم نیست همه دوازده ماه با تمام ابواب جمعی و اعضای کمیته ها که بعضاً وضعیت فیزیکی خوبی هم نداشتند، در مناطق اشغالی بمانند و درگیر جنگ های دفاعی و تحمیلی شوند و ضربه بخورند. وزنه های متعددی که به پای نیروی پیشمرگ بسته شده باید برداشته شود و وظایف ساده تر و محدودتری به دوش آن گذاشته شود. با صحبت های منصور حکمت میشد دید که چطور کنگره نفس راحتی کشید و افق تازه ای پیدا کرد. خیال فرماندهان و کادرها راحت شد و بار سنگینی از دوش آنها برداشته شد. نگرانی عمیقی که در درون همه مسئولین و کادرها و فرماندهان کومه له بود با این تصمیم رفع میشد. این تصمیم در آن مقطع جسارت و تشخیص سیاسی بالایی میخواست. شاید الان درک این مساله خیلی راحت بنظر برسد ولی در آن مقطع این تصمیم بدلیل سابقه حضور همیشگی در مناطق مختلف کردستان، رقابت با حزب دمکرات و اهمیت مرزها! و کل سنت های رایج در آن دوره راحت نبود. میتوانست به حساب ترس و سرد شدن از مبارزه گذاشته شود. مدت ها قبل از اینهم مساله مرز مطرح شده بود. موقعی که رهبری کومه له، که نیاز به

شهرها بکنند. مبارزات کارگری و اعتراضات توده ای و شاخه دیگر مبارزه بودند که باید به آنها توجه میشد. بر خلاف سنت ناسیونالیستی فعالیت فقط در بعد نظامی نبود. آنهم در حالیکه انقلاب و برآمد توده ای در کار نبود، نمیشد با فعالیت نظامی حکومت را عقب راند و یا انقلاب کرد. رهبری کومه له باید انرژی بیشتری صرف شهرها و مبارزات مردم در شهرها میکرد. که بعداً بیشتر به این میپرداخت. علاوه بر این منصور حکمت بحثی که در کنگره مطرح کرد این بود که کومه له در اینطرف مرز خودش را باید شبیه دولتی نشان دهد که به محض آمادگی شرایط برمیگردد و در شهرها مستقر میشود. کومه له باید چنین تصویر و ایمیچی از خودش نشان بدهد. این مجموعه نظرات تاثیرات زیادی بر سرنوشت کومه له گذاشت. تبلیغات جدید "رادیو صدای انقلاب" فعالین را در شهرها بیشتر متوجه خود و رویکرد جدید رهبری کومه له کرد. این در عین حال سرآغاز بحث های مهمی در کومه له شد. مباحث کمونیسم کارگری و کارگری شدن حزب و کومه له از همین مقطع بود که بطور همه جانبه ای توسط منصور حکمت شروع شد. تحت تاثیر این رویکرد کومه له بود که به همت فعالین کارگری مراسم بزرگی در اول مه سال ۶۶ در شهر سنندج برپا شد. این مقطعی بود که رهبری کومه له داشت بیشتر به نیروی اصلی خودش معطوف میشد. قبل از آن اساس هم و غم رهبری کومه له فعالیت نظامی و فضای روستاها بود که محل حضور بخش نظامی کومه له بود.

سیما بهاری: در مورد نقش منصور حکمت در جنگ با حزب دمکرات کردستان ابتدا توضیح بدهید که اصلاً جریان این جنگ چه بود و برخورد منصور حکمت به آن چگونه بود؟

اصغر کریمی: موقعی که جنگی طولانی میشود احتیاج به استراتژی دارد. هم جنگ با جمهوری اسلامی و هم جنگ میان دمکرات و کومه له طولانی شده بود. سال ۵۸ که جمهوری اسلامی به کردستان حمله کرد مردم سازمان های سیاسی دست به اسلحه بردند، به روستاهای اطراف شهرها رفتند و جمهوری اسلامی که خیلی منفر بود و هیچ پایگاهی در میان مردم نداشت، و از طرفی مردم وسیعاً در مقابل حکومت به میدان آمدند و دست به اسلحه بردند، خیلی زود شکست خورد و نیرویش را از کردستان بیرون کشید. و سازمان های مسلح

مجدداً به شهرها برگشتند. دور بعدی یورش به کردستان ۲۸ مرداد سال ۵۹ بود، نیروهای مسلح از شهرها خارج شدند و همان تصور وجود داشت که با شکست جمهوری اسلامی پس از مدت کوتاهی دوباره به شهرها برمیگردیم. اما این اتفاق نیفتاد. جمهوری اسلامی در سایر نقاط کشور موقعیت خود را محکم تر کرده بود و برآمد انقلابی که تا آن مقطع در کردستان و سراسر کشور بود داشت فروکش میکرد در نتیجه صرفاً با نیروی نظامی نمیشد جمهوری اسلامی را شکست داد. موقعی که جنگ کوتاه مدت مثلاً یک ماه و دو ماه باشد بدون استراتژی هم میتوان جنگید اما جنگی که طولانی میشود و برای ماهها یا سالها بطول می انجامد، به استراتژی روشنی نیاز دارد. آیا فقط با فعالیت نظامی در غیاب یک برآمد توده ای میتوان حکومت را شکست داد که قطعاً جواب منفی بود بنابراین اولاً جایگاه فعالیت نظامی در چنین مقطعی چیست، ثانیاً چه استراتژی و تاکتیک هایی باید بر آن حاکم باشد. نه تنها جنگ با جمهوری اسلامی بلکه جنگ با دمکرات هم طولانی شده بود و برای کومه له حیاتی بود که استراتژی و نقشه روشنی مقابل خود داشته باشد. هدف جنگ چیست، شرایط پیروزی چیست، کجا میتوان جنگ را خاتمه داد، در این راستا تاکتیک های جنگ چه باید باشد، کجا باید نیرو را متمرکز کند و کدام منطقه را باید خالی کرد، چگونه مردم را باید برای فشار به حزب دمکرات بسیج کرد و غیره. یک تصور رایج در رهبری کومه له بود که این جنگ بر سر کسب رهبری در جنبش انقلابی در کردستان است. منصور حکمت در مرداد سال ۶۴ در نوشته مفصلی این دیدگاه را که در سند "جمعیت های بحث ارزبای ۵ ماه جنگ ما و حزب دمکرات" توسط کمیته مرکزی کومه له تدوین شده بود، مورد نقد قرار داد. نوشته منصور حکمت به تحول بزرگی در سیاست نظامی، آرایش و تاکتیک های نظامی کومه له در مقابل دمکرات منجر شد.

توضیح منصور حکمت این بود که اولاً "در دل این جنبش ملی بظاهر واحد، در واقع دو جنبش، دو رهبری و دو سلسله آموال و تمایلات سیاسی وجود دارد، یکی انقلابی، که حق تعیین سرنوشت را به مثابه جزئی از یک پروسه رهایی عمیق تر و اساسی تر تاسمین می کند، و دیگری رفرمیستی و یا حتی ارتجاعی، که از حق تعیین سرنوشت، اقتدار بورژوازی کرد را می فهمد. جدال این دو خط مشی نمی تواند مبارزه بر سر چیز واحدی تصویر شود، بلکه اساساً مبارزه دو چیز است. این همان

مبارزه پرولتاریا و بورژوازی است که منتظر ختم مساله ملی نشده است". حزب دمکرات متعلق به جنبش ناسیونالیستی است و تعلقی به جنبش انقلابی ندارد که همزونی آن مورد جدال باشد. این از نظر سیاسی راست روی محسوب میشود. بعلاوه اگر هدف جنگ همزونی باشد باید تا آخر با حزب دمکرات بجنگیم و این جنگ پایانی نخواهد داشت و این از نظر نظامی چپ روی است. حزب دمکرات یک نیروی اپوزیسیون است و جنگ ما اساساً با آن نیست. جنگ ما با جمهوری اسلامی است. حزب دمکرات دارد قلدری میکند و باید جواب قلدری اش را داد و مزاحمتش را رفع کرد تا بتوانیم کار اصلی ما را بکنیم یعنی مبارزه با جمهوری اسلامی، کار با توده ها و سازماندهی آنها، ترویج اهداف کمونیستی در میان مردم، حضور سیاسی در شهرها و غیره. هدف جنگ با دمکرات باید دفاع از کومه له بعنوان یک سازمان کمونیستی باشد و حفظ دستاوردهایی که به بین سالها مبارزه بدست آورده ایم و پایان دادن به توطئه های نظامی این حزب. جنگ جنگ تا پیروزی و تلفات بیشتر استراتژی نیست. این یعنی تداوم نامحدود جنگ، تلفات بیشتر به نیروی خودی، عدم استقبال مردم از فراخوان های کومه له، تضعیف روحیه مبارزاتی مردم و پایین آمدن روی آوری به صفوف کومه له. تحمیل جنگ از طرف حزب دمکرات به کومه له فی الحال لطمانت زیادی به جنبش انقلابی مردم و مبارزه علیه جمهوری اسلامی وارد کرده بود. منصور حکمت در نقد "سند جمعیت های از بحث ارزبای ۵ ماه جنگ ما و حزب دمکرات" میگوید: "جنگ ما بر سر سرزمین نیست. سیاست جنگی ما، یک سیاست منطقه ای است. نیروی واقعی ما امکان یک تفوق همه جانبه و سراسری در کل کردستان بر حزب دمکرات را به ما نمی دهد. اما ما می توانیم و باید تلاش کنیم تا در مناطقی که برای موجودیت و فعالیت کومه له، به مثابه تشکل کمونیستی تمام کارگران کردستان و به مثابه رهبر جنبش انقلابی خلق کرد، حیاتی و اساسی است به این تفوق دست یابیم. نوعی تقسیم منطقه ای کردستان برای آنکه جنگ با حزب دمکرات به یک معضل فرعی تشکیلات تبدیل شود و لذا بخش اعظم نیروی ما برای کار کمونیستی و انقلابی با توده زحمتکششان آزاد شود ضرورت است. واضح است که این سیاست منطقه ای در عین حال در تناسب قوای موجود، روشی برای گسترش نیروی نظامی ما نیز هست. بنابراین ملاک و شاخص موفقیت نظامی ما نه صرفاً



تصویر کنگره رسید.

از نظر منصور حکمت يك نیروی کمونیست شالوده هایش در محیط های کارگری و در اعتراضات کارگری است. فعالیت سیاسی در میان کارگران، سازماندهی آنان، جا انداختن مطالبات روشن در مبارزات آنها و همینطور سازماندهی زنان و یا جنبش رهایی زن و سایر مبارزات حق طلبانه مردم، اما در عین حال يك جریان کمونیست در مقاطعی که لازم باشد دست به فعالیت نظامی هم میزند. بهر رو در قطعنامه کنگره ششم تاکید شده است که اساس فعالیت کومه له و اساس نیروی آن در شهرها است، شهرها کانون اصلی اعتراض سیاسی و توده ای و مرکز ثقل جنبش انقلابی هستند و طبقه کارگر و زحمتکشان شهری و روستایی نیروی محرکه اصلی جنبش انقلابی در کردستان را تشکیل میدهند و سرنوشت نهایی جنبش انقلابی در شهرها تعیین میشود. فعالیت نظامی هم يك رکن دیگر فعالیت کومه له را بعنوان يك جریان کمونیست تشکیل میدهد. قطعنامه فعالیت نظامی کومه له را سر جای خود میگذاشت و تأکیدات مهمی روی نیروی اصلی کومه له در شهرها میگذاشت. بویژه در شرایطی که با اشغال کامل کردستان محدودیت های نظامی هرچه بیشتری در مقابل کومه له ایجاد شده بود، این رویکرد اهمیت بیشتری پیدا میکرد و نمیگذاشت که صفوف کومه له همراه با محدودیت فعالیت نظامی، احساس شکست کند.

بدین ترتیب نطفه عطفی که از کنگره پنجم کومه له شروع شده بود در این کنگره به سرانجام رسید و گرایش چپ در مقابل گرایش ناسیونالیستی که روزبروز بی افق تر میشد، موفقیت بزرگی بدست آورد. قطعنامه دیگری هم در مورد حزب دمکرات توسط منصور حکمت به کنگره ارائه شده بود که تحلیل روشنی از حزب دمکرات و سیاست کومه له در قبال آن بود. این

کومه له برگزار شد و این ایده را ابراهیم علیزاده از طرف منصور حکمت به این نشست ارائه داد. عبدالله مهتدی و دو نفر دیگر از اعضای کمیته مرکزی به این پیشنهاد رای منفی دادند اما اکثریت بالای کمیته مرکزی کومه له از آن استقبال کرد و این تصمیم به تصویب رسید. طرح این بود که کومه له آتش بس یکطرفه را اعلام میکند و در عین حال هوشیاری خود را در مقابل حملات احتمالی دمکرات حفظ میکند. بیانیه آتش بس را خود منصور حکمت نوشت و کمیته مرکزی کومه له پای آن امضا گذاشت و در رادیو صدای انقلاب در اردیبهشت سال ۶۷ قرائت شد.

این اقدام موفقیت سیاسی بزرگی برای کومه له به شمار میامد. کومه له از موضع قدرت و برتر و از موضع يك نیروی پیروز اعلام آتش بس میکرد. این اعلام پیروزی نظامی بر حزب دمکرات بود و در عین حال اعلام پیروزی سیاسی بر این حزب. این تصمیم احساس مسئولیت کومه له را در قبال مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی نشان میداد و اعتبار و اتوریته سیاسی کومه له و حقانیت آنرا در میان مردم بالا برد. بحران سیاسی حزب دمکرات با این تصمیم کومه له باز هم عمیقتر شد. این نقطه عطفی سیاسی به نفع کومه له و کمونیسم در کردستان بود. قبلا توضیح دادم که بدلیل حاکمیت سرمایه داری و رشد طبقه کارگر و شهری شدن جامعه کردستان زمینه های اجتماعی رشد کمونیسم فراهم شده بود. اما این خودبخود اتفاق نمی افتاد. يك نیروی سیاسی کمونیست لازم بود تا این زمینه را به يك واقعیت سیاسی تبدیل کند. این تصمیم صرفا يك اتفاق نظامی نبود. يك اتفاق سیاسی مهم به نفع کومه له و کمونیسم در مقابل ناسیونالیسم کرد بود. برای اولین بار بود که يکه تازی و قلدری يك حزب بورژوازی علیه يك نیروی کمونیست در هم میشکست و ابعاد قدرت اجتماعی يك نیروی کمونیست را به مردم نشان میداد.

با این توضیحات نقش منصور حکمت در روشنی بخشیدن به استراتژی جنگ با دمکرات و مسیر این جنگ روشن است. اگر این تحول در کومه له صورت نگرفته بود، جنگ بدون هدف و تمرکز روشنی صورت میگرفت، تلفات بیشتری به بار میآورد و پیروزی کومه له متحقق نمیشد.

دو مثالی که از نقش منصور حکمت در زمینه فعالین نظامی علیه جمهوری اسلامی و علیه حزب دمکرات توضیح دادم، نقش و تاثیر

نقش منصور حکمت در ... از صفحه ۵

بعد به تجمع کومه له در روستای نرملاس در جنوب کردستان حمله کرد تا شکست خود را جبران کند. نیروی کومه له در جنگی دفاعی که ساعتها به طول کشید تلفات سنگینی به نیروی حزب دمکرات وارد کرد و علیرغم اینکه چندین نفر از پیشمرگان کومه له نیز جانشان را از دست دادند اما حمله دمکرات به شکست سختی برای این حزب تبدیل شد. برخی واحدهای حزب دمکرات از هم گسیخته شدند، روحیه نیروهای آنها در پایین ترین موقعیت خود قرار گرفت، رهبری حزب دمکرات کاملا آشفته و سردرگم شده بود و توان جبران این خسارات را نداشت. این نقطه عطفی نظامی هم برای حزب دمکرات و هم برای ما بود.

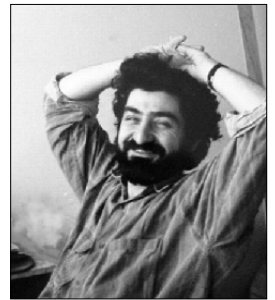
بدنبال این ضربات، حزب دمکرات مجبور شد جنوب را تخلیه کند و راه برای فعالیت کومه له علیه جمهوری اسلامی بدون مزاحمت حزب دمکرات هموار شد. کمیته های کومه له افق روشنی در این جنگ پیدا کرده بودند و شروع به کار عادی و قبلی خود علیه جمهوری اسلامی و در میان مردم کردند و جنگ با دمکرات عملا حاشیه ای شد.

ناکامی های نظامی پشت سر هم، بحران حزب دمکرات را تشدید کرد و به انشعاب بزرگی در این حزب منجر شد. نزدیک به نیمی از حزب دمکرات از آن جدا شد و به کومه له اعلام کرد که با شما سر جنگ نداریم. حزب دمکرات به اوج ضعف و ناتوانی سیاسی و نظامی رسیده بود. اینجا بود که منصور حکمت ایده بسیار هوشیارانه و تیز سیاسی را به کمیته مرکزی کومه له داد که الا آن وقت اعلام آتش بس با دمکرات است و این را به کمیته مرکزی کومه له پیشنهاد کرد. ظرفیت بالای رهبری سیاسی منصور حکمت در چنین لحظاتی بیشتر خود را نشان میداد. کومه له پیروزی های نظامی بدست آورده بود و دمکرات از نظر نظامی ناکام شده بود، نقشه کومه له برای حاشیه ای کردن جنگ با دمکرات عملی شده بود و با منطفه ای کردن جنگ افق روشنی مقابل کومه له قرار گرفته بود و برعکس حزب دمکرات دچار سردرگمی و انشعاب شده بود. باید تصمیمی تاریخی گرفته میشد تا موفقیت های تاکتونی اعلام و تثبیت میشد. یادم است در يك غار در حاشیه اردوگاه مالومه که امنیت بالایی در مقابل مبارزان های احتمالی جمهوری اسلامی داشت جلسه کمیته مرکزی

تلفات به نیروهای مسلح دشمن و فرسودگی او، بلکه اساسا اینها است. کاهش تدریجی و گام به گام آن درصد معین از نیروهای ما که برای حفظ این تعادل و تفوق منطفه ای مشخصا وظیفه انجام عملیات (درگیری، مانور، دفاع) علیه حزب دمکرات را دارند.

این نگرش در کمیته مرکزی کومه له با استقبال مواجه شد و نقطه عطفی شد در جنگ میان کومه له و دمکرات و افق روشنی در مقابل نیروی مسلح کومه له و رهبری کومه له گذاشت. کمیته مرکزی کومه له به سرعت شروع به عملی کردن این سیاست کرد و تصمیم گرفت که نیروی خود را در جنوب کردستان که پایگاه اصلی ما بود متمرکز کند و حزب دمکرات را از این منطقه بیرون کند. در این مقطع من دبیر کمیته سقر کومه له بودم که همراه با دبیران سایر کمیته ها دیداری با رهبری کومه له در اردوگاه مرکزی کومه له داشتیم. در این نشست این بحث توسط ابراهیم علیزاده دبیر کمیته مرکزی کومه له این سیاست را با ما در میان گذاشت و مدت کوتاهی پس از آن کومه له نیرویش را به قصد اجرایی کردن طرح خود و بیرون کردن حزب دمکرات از جنوب کردستان در این منطقه متمرکز کرد. لازم به توضیح است که حزب دمکرات قبل از آن بخش اعظم نیرویش را از شمال و جنوب کردستان در اردوگاه آژوان در مرز کردستان ایران و عراق متمرکز کرده بود که به کومه له در جنوب کردستان حمله کند و کومه له را در جنوب شکست بدهد. اگر این اتفاق می افتاد، شکست کومه له در مناطق شمال کردستان که حزب دمکرات پایگاه قوی تری داشت دشوار نبود و کومه له در موقعیت بسیار ضعیفی قرار میگرفت. اما کومه له دست حزب دمکرات را خوانده بود و با نیروی کافی و نقشه کار شده در پاییز ۶۴ به آژوان حمله کرد و ضربه سختی به حزب دمکرات وارد آورد. پس از آن دمکرات در نقطه دیگری در همان منطقه پایگاه مجهزی ایجاد کرد اما کومه له با حمله ای غافلگیرانه به این اردوگاه که نامش را آژوان دو گذاشته بود ضربه بزرگتری به حزب دمکرات وارد کرد. این دو ضربه و فراری دادن نیروی دمکرات از این منطقه، تاثیر بسیار قابل توجهی بر صفوف دمکرات گذاشت. این شکستی نظامی و سیاسی برای حزب دمکرات بود و موقعیت ما را در جنوب کردستان بسیار تقویت کرد. برای حزب دمکرات هم از نظر سیاسی و هم نظامی حیثیتی بود که این ضربات را جبران کند و چند هفته

از صفحه ۶ **نقش منصور حکمت در ...**



قطعه‌نامه نیز به تصویب کنگره رسید.

کارگران و توده های زحمتکش و سازماندهی آنها جایگاه کمی در مشغله های رهبری کومه له داشت. از نظر منصور حکمت کومه له به پایگاه اصلی خود که در شهرها است توجهی ندارد، به وجوه مختلف آن نمیپردازد، روی آن سرمایه گذاری نمیکنند و تمام هم و غمش را فعالیت نظامی تشکیل میدهد و این باید عوض میشد. با یک برآمد انقلابی و حضور توده های وسیع مردم در شهرها اساسا میتوان حکومت را انداخت و نه صرفا با فعالیت نظامی یک سازمان و در مقطعی که شاهد چنین برآمدی نبودیم فعالیت نظامی باید بعنوان یکی از عرصه های فعالیت کومه له مورد توجه قرار میگرفت نه اساس کار آن. با فعالیت همه جانبه در شهرها است که در یک برآمد انقلابی نیروی نظامی کومه له هم میتوانست سرعت رشد کند و نقش مهمی در سرنگونی جمهوری اسلامی بازی کند.

یک وجه دیگر سنت ناسیونالیستی نحوه برخورد به نیروی انسانی بود. منصور حکمت نظرش این بود که وقتی شما افراد را برای سالهای طولانی در خط مقدم فعالیت نظامی قرار میدهید که بی وقفه در خطر کشته شدن قرار دارد و هر لحظه فکر کند امروز یا فردا کشته میشود، بتدریج روحیه بشاش و سازندگی را از دست میدهد و بعنوان یک انسان نمیتواند به سایر وجوه زندگی

فکر کند. بعلاوه فضای چنین احزابی اینطور میشود که کسی نمیتواند اعلام خستگی از فعالیت نظامی کند چون به حساب ترس گذاشته میشود. اما این نیاز که بیان هم نمیشود بتدریج خود را در قالب های نادرستی بروز میدهد، یا به تئوری تراشی های نادرست درمورد اینکه اصلا فعالیت نظامی درست نیست می انجامد که همین اتفاق توسط جمعی از کادرهای کومه له اتفاق افتاد و یا به بی روحیه گی، به عدم انسجام و مقاومت در مقابل سیاست های آن سازمان و غیره می انجامد. این یک برخورد بسیار انسانی به نیروی پیشمرگ بود که حق دارد بعد از چند سال فعالیت در عرصه نظامی فرصت کند ابعاد دیگری از زندگی را هم تجربه کند، تشکیل خانواده بدهد، یا تحصیل کند، به جای دیگری برای زندگی از جمله خارج کشور برود و مبارزه اش را در اشکال دیگری ادامه بدهد و یا فرصت کند تجاریش را به دیگران منتقل کند. این بحث ها نه تنها در صفوف کومه له با استقبال مواجه شد بلکه حتی در صفوف پیشمرگان حزب دمکرات هم تاثیر گذاشت و توقعات تازه ای را در میان آنها نیز دامن زد.

سیما بهاری: تقریبا به همه نکاتی که مد نظر من بود پرداخته شد اگر نکته دیگری باقی مانده میتوانید کوتاه صحبت کنید.
اصغر کریمی: ضمن تشکر از فرصتی

پیروزی میکرد، منصور حکمت در نقد این رویکرد تاکید کرد که باید جنگ با دمکرات را حاشیه ای کنیم و به فعالیت علیه جمهوری اسلامی بپردازیم و خود او بود که ابتکار آتش بس یکطرفه را به رهبری کومه له پیشنهاد کرد. نکته دیگر اینکه رهبری کومه له بعد از جدایی کمونیسم کارگری شروع به تحریف نقش منصور حکمت کرد که مینوشته و در عرصه تئوریک فعالیت میکرد، در حالیکه هیچکس به اندازه منصور حکمت در زندگی واقعی و روزمره کومه له و زندگی پیشمرگان کومه له نقش نداشته است. البته نقش عظیم تئوریک و سیاسی منصور حکمت نیز توسط رهبری کومه له نادیده گرفته میشود، بازگو نمیشود، از جمله نقش و تاثیری که منصور حکمت در فعالیت نظامی کومه له در جنگ با جمهوری اسلامی و حزب دمکرات داشت. در این بحث من گوشه هایی از نقش منصور حکمت را توضیح دادم و امیدوارم این بحث توسط رفقای دیگری که در این تاریخ حضور داشته اند همه جانبه تر باز شود تا نسل امروز که در شهرهای کردستان مبارزه میکنند و حتی فعالیتهایی که امروز در صفوف کومه له هستند و آوار تحریفات بر سرشان خراب شده است، متوجه نقش عظیم و تاریخی منصور حکمت بر سرنوشته سیاسی و نظامی کومه له بشوند.

اما در این مقطع جنگ ایران و عراق نیز به پایان خود نزدیک میشد و محدودیت های بیشتری خود را نشان میداد که باعث شد گرایش ناسیونالیستی تحریک بیشتری پیدا کند و پس از سالها سکوت بتدریج به حرف بیاید. این موضوع در مباحث دیگری توسط منصور حکمت مفصلا به آن پرداخته شده و اینجا فرصت بحث حول آن نیست.

سیما بهاری: با سنت های ناسیونالیستی در فعالیت نظامی کومه له چه برخوردی داشت؟ اصلا این سنتها چگونه خود را نشان میداد؟

اصغر کریمی: بخشی از این سنت را در پاسخ به سوال قبل توضیح دادم که چگونه شهرها در فعالیت کومه له حاشیه ای شده بود و چگونه مبارزه

اعتراض برای نجات پنج معترض دیمه ۹۶ ادامه دارد، چهار نفر از آنها با خانواده خود ملاقات کردند

دیگری از مردم در طول نیمه شب گذشته در مقابل دادگستری اصفهان ادامه داشته است. نیروهای رژیم چند بار آنها را متفرق کرده اند ولی خانواده ها و مردم دوباره دست به اجتماع زده اند. نیروهای رژیم با استفاده از گاز اشک آور و تیرانداز هوایی سعی در متفرق کردن اجتماع کنندگان داشتند. پایداری خانواده ها و مردم باعث شد که رژیم اعدامها را به عقب بیاورد. بنا به اخبار دریافتی چهار تن از معترضین زندانی موفق شده اند با خانواده های خود دیدار داشته باشند. به خانواده یکی دیگر اجازه ملاقات داده نشده است. گفته اند "شما زیاد شلوغ کرده اید". معترضین زندانی برای خانواده ها تعریف کرده اند که عوامل حکومتی به آنها گفته اند که صبح روز جمعه ۱۰ مرداد آنها را اعدام خواهند کرد. گفته شده است که عباس

محمدی، یکی از این معترضین زندانی، دچار سکنه و بنا به یک روایت دیگر دچار حمله عصبی شدید شده است. به او دوز بالای از آرامبخش داده اند. خانواده ها تهدید کرده اند اگر حکومت بخواهد حکم اعدام را اجرا کند دست به خودسوزی خواهند زد. حکومت به دلیل حضور خانواده ها در مقابل دادگستری جو را بشدت امنیتی کرده است تا در همانحال از به خیابان آمدن بیشتر مردم در اعتراض به اعدام جلوگیری کند. خانواده ها بشدت تحت فشار هستند تا در مورد عزیزانشان اطلاع رسانی نکنند. موضوعی که طبعا نباید به آن تن داد. در همانحال در شبکه های اجتماعی مردمی زیادی نسبت به خطر اعدام این جوانان اعتراض خود را نشان داده اند.

معترضین و آزادی آنها ادامه پیدا کند. به نمایش اعتراض خود در شبکه های اجتماعی با قدرت بیشتری ادامه دهید. خانواده های این عزیزان را همراهی کنید. در نقاط مختلف شهر برای نجات معترضین محکوم به اعدام به اعتراضات خیابانی دست بزنید. به گفتمان اعتصاب بعنوان ابزاری که می تواند رژیم را به عقب نشینی مجبور کند دامن بزنید. برای خنثی کردن ابزار سرکوب و اعدام جمهوری همه ما باید درگیر شویم و مثل یک تن واحد عمل کنیم. اگر چنین عمل کنیم جمهوری اسلامی چاره ای جز تسلیم شدن در مقابل ما نخواهد داشت. همگی به نجات جان معترضین زندانی برخیزیم.

نگذاریم اعدامشان کنند!

Don't Let the Iranian Regime Execute Them!

STOP Execution in Iran Now!

International Committee Against Executions (ICAE)
کمیته بین المللی علیه اعدام

پنجشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۹ اجرای احکام اعدام عملی نشده است. اعتراضات خانواده ها و گروههای

طبق اخبار دریافتی علیرغم تهدید حکومت مبنی بر اعدام ۵ تن از معترضین دیمه ۹۶ در صبحگاه

کمیته بین المللی علیه اعدام
۹ مرداد ۱۳۹۹
۳۰ ژوئیه ۲۰۲۰

هشتگ #غرفوری اعدام به یک ترند رایج تبدیل شده است. مبارزه باید تا لغو احکام اعدام

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان



تهیه و تنظیم: عزیزه نطفی

مادرم؛ کولبری روایت تلخ زنان کولبر و غم برنگشتن مادر بارمان را که میگیرند بدبخت می‌شویم

آماری که هاله امینی، نماینده استان کردستان در شورای عالی استانها، هم نسبت به آن هشدار داده و گفته «با زنان و دخترانی مواجه هستیم که مجبورند در نقش یک مرد ظاهر شوند تا به صف طولانی کولبران بپیوندند. کولبری ریشه در نابرابری و توزیع ناعادلانه امکانات و خدمات و حتی ایجاد شغل در کشور دارد.»

تهمینیه می‌گوید،

کولبری می‌کنم به خاطر همسرم



پیدا کردنشان سخت است و از آن سخت‌تر صحبت کردن البته در میانشان زنهایی هم هستند که بعد از ۱۰ سال کولبری دیگر دغدغه‌ای برای حرف زدن ندارند. زنانی هم که سن و سال کمتری دارند حاضر به گفت‌وگو نمی‌شوند. ترس از دست دادن تنها منبع مالی زندگی، دهانشان را بسته است. اینها را تهمینیه می‌گوید که خودش ۳۳ سال بیشتر ندارد، اما به خاطر دیسک کمر دیگر قادر به کار کردن نیست. «من از ۲۱ سالگی

را نمی‌بیند که با ورود به میانسالی با انواع دردهای مفصلی و آرتروز، روزگار می‌گذرانند. همان‌هایی که راه رفتن بدون عصا برایشان سخت شده است.

چند سالی هم هست که در مناطق غربی دیگر دامداری و کشاورزی کفاف زندگی را نمی‌دهد و رنگ لباس زنان این منطقه عوض شده تا با ظاهری مردانه، مشکلات بیکاری را در عبور از کوچه و راه‌های صعب‌العبور کم کنند. در سردشت، پیرانشهر، مریوان، ثلاث باباجانی، جوانرود، سقز و... می‌توان صف‌های زنان را دید که خود نان آورند و غیرت زنانه‌شان آنها را به کوهستان می‌کشاند تا کولبری کنند.

برگرفته از صفحه فیسبوک مریم افراسیاب پور

زینب جلالیان

پس از دو ماه بی‌خبری، زینب جلالیان در تماس با خانواده از نگهداری خود در سلول انفرادی زندان کرمان خبر داد. زینب جلالیان، زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد پس از دو ماه بی‌خبری در یک تماس تلفنی با خانواده‌اش از نگهداری خود در یک سلول مخصوص در زندان کرمان خبر داده است.

قضاة این زنان قصه تلخ‌تر مردان ساکنان مناطق غربی ایران است که به دلیل فراهم نبودن اشتغال، کوهستان شده محل کارشان و درآمد به دوش کشیدن بار سنگین و عبور از مسیر صعب‌العبور، نان بخور و نمیر سفره‌هایشان. شغل سخت و طاقت‌فرسای کولبری این روزها در خطه غربی کشور دیگر شغل مردانه نیست و به کاری برای زنان هم تبدیل شده است. سال‌هاست که در شمال کشور زنان در شالیزارها کار می‌کنند و کسی رنجشان

قضاة این زنان قصه تلخ‌تر مردان ساکنان مناطق غربی ایران است که به دلیل فراهم نبودن اشتغال، کوهستان شده محل کارشان و درآمد به دوش کشیدن بار سنگین و عبور از مسیر صعب‌العبور، نان بخور و نمیر سفره‌هایشان. شغل سخت و طاقت‌فرسای کولبری این روزها در خطه غربی کشور دیگر شغل مردانه نیست و به کاری برای زنان هم تبدیل شده است. سال‌هاست که در شمال کشور زنان در شالیزارها کار می‌کنند و کسی رنجشان

جنایات جانیان اسلامی حاکم در ایران را باید پایان دهیم!

بوجود آورده است. سران این حکومت فاقد هرنوع صلاحیتی در رسیدگی و قرار مجرمیت و صدور کیفرخواست و محاکمه در ارتباط با زندانیان سیاسی و غیره هستند. حکومتی که هیچ مشروعیتی از نظر حقوق قانونی ندارد و در عین حال روزانه چندین نفر از زندانیانی که در شکنجه گاه‌هایش بعنوان گروگان در اختیار گرفته را با احکام ضدانسانی شکنجه و حبس و صدور اعدام مواجه می‌کند را باید به زیر کشید. در هیچ یک از این سیستم کذابی و جنایتکارانه، نه عدالتی بر مبنای موازین حقوق بشری و قضاوت انسانی وجود دارد و نه قضاوتی بیطرف در ارتباط با زندانیان از هر طیفی، تمانی احکام صادر شده بر مبنای مجازات اسلامی و جنایتکارانه‌ای است که دستگاه قضا به آن متوسل و بر

سر جان انسانها تصمیم میگیرند. پیرونده تمام سران آدمکش و جنایتکار این رژیم حتی سنگین‌تر از آن است که در دادگاهی عادلانه و مردمی رسیدگی و به جرم جنایات و کشتار به محاکمه کشیده شوند و مجازات و تائانش را بپردازند. ما مردم یعنی مخالفین دستگاه شکنجه و اعدام و آدمکشی جمهوری اسلامی باید در محکومیت و پایان دادن به این جنایات جمهوری اسلامی و متوقف کردن یک حکومت کاملاً ارتجاعی و آدمکشی اعلام کیفرخواست خود را در دادگاه‌های بین‌المللی و به دولت‌هایی که با این رژیم سرمماشات و بند و بست دارند اعلام داریم و برای سرنگونی این حکومت فاسد و جنایتکار بیش از هر زمانی متحدانه به میدان آمده و جامعه را از شر این هیولای اسلامی خلاص



ما بیش از چهار دهه است که با یک حکومت سرتاپا جنایتکار و آدمکش طرف هستیم. حکومتی که با ماشین کشتار و آدمکشی از بدو سرکار آمدنش به کرات دست به قتل و کشتار و اعدام و هر جنایتی زده است. دستگاه قضایی جنایتکار جمهوری اسلامی در کنار اداره اطلاعات و سپاه پاسداران بی‌داده‌گویی کاملاً غیرانسانی و توأم با شکنجه را برای عموم مردم در ایران

زندان، شلاق، اعدام و آزادی فوری و بدون قید شرط تمامی دستگیرشدگان آبانماه و دادخواهی خانواده‌های بازداشتیان، زخمی شدگان، مفقودان و جانباختگان معترضین آبانماه است. به این کارزار جهانی بپیوندیم. شما هم می‌توانید با کلیپهای کوتاه خود به این کمپین بپیوندید و حمایتان را اعلام کنید.

زنی بیست و هفت ساله در زندان شهر سقز در آستانه اعدام قرار دارد

بر اساس اطلاعاتی که بدست کمیته بین‌المللی علیه اعدام رسیده است متأسفانه زنی بیست و هفت ساله در زندان شهر سقز در آستانه اعدام قرار دارد که خلاصه‌ای از وضعیتش چنین است.

نرگس انوری پنج سال پیش به جرم قتل همسرش به زندان می‌افتد و اکنون در آستانه اعدام قرار دارد. نرگس بخت برگشته در سن پنج سالگی پدرش را از دست می‌دهد، مادرش دوباره ازدواج می‌کند و درد و رنج نرگس از همان اوایل کودکی شروع می‌شود. نرگس در سن نوجوانی بناچار ازدواج می‌کند، بچه دار می‌شود و در سال ۱۳۹۵ و در سن ۲۲ سالگی، بعد از قتل همسرش دستگیر و به جرم قتل به اعدام محکوم می‌شود. نرگس در چند سال گذشته چندین بار در زندان اقدام به خودکشی می‌کند، او حتی امکان داشتن وکیل را هم نداشته و ندارد و تنها آرزویش زنده ماندن و زندگی دوباره با تنها پسرش است، نرگس امروز در حالی در آستانه اعدام قرار گرفته که نه وکیل دارد و نه کسی پیگیر پرونده اش است، او حتی گفته، «فکر می‌کنم زندان برایم بهتر باشد، چرا که در صورت آزادی نه کسی دارم و نه جایی».

نرگس حتی اگر قتل همسرش را هم مرتکب شده باشد، خود قربانی شرایط برده وار زنان در زیر حاکمیت رژیم ضد زن اسلامیست، نرگس باید زنده بماند و حکم وحشیانه اعدام او لغو شود. نه به اعدام، نه به جمهوری اسلامی!

بازداشت یک دختر جوان در شهر بوکان

روز شنبه چهارم مردادماه، یک دختر به نام سمیه نمدمال اهل بوکان از سوی نیروهای امنیتی واپسته به اداره اطلاعات این شهر بازداشت شده است. سمیه نمدمال روز یکشنبه بیست و دوم تیرماه از عضویت یکی از احزاب اپوزیسیون ایران خارج و به ایران بازگشته بود. تاکنون پیگیری‌های خانواده این دختر جوان جهت اطلاع از سرنوشت وی بی‌نتیجه بوده است.

محکومیت شهبان خاکپور، فعال سیاسی به سال حبس

روز دوشنبه ۱۳ مردادماه ۱۳۹۹ شهبان افسانه خاکپور، فعال مدنی ساکن کرمان با اتهامات اقدام علیه امنیت ملی از طریق تشکیل و عضویت در گروه‌های مخالف نظام، فعالیت تبلیغی علیه نظام بنفع گروه‌های معاند نظام، توهین به روح الله خمینی و توهین به رهبری توسط شعبه ۱ دادگاه انقلاب این شهرستان به ریاست قاضی احمد قربانی در مجموع به تحمل ۱۸ سال حبس تعزیری محکوم شد. به فرض تأیید این حکم در دادگاه تجدیدنظر و اعمال ماده ۱۳۴ از قانون مجازات اسلامی اجرای ۱۰ سال حبس تعزیری برای این فعال سیاسی اجرائی خواهد شد.



شه ژار علی پور

یکپارچه می‌توانند از شر حکومت اسلامی رهایی یابند و این بسته به فروش میلیونی توده‌ای و همبستگی کل جامعه می‌باشد و اعتصابات عمومی تا درم کوبیدن کل حکومت جمهوری اسلامی با تمامی جناح‌هایش است.

۴ آگوست ۲۰۲۰

کنیم. در حمایت از زندانیان سیاسی، کارگران زندانی، فعالین مدنی و اجتماعی و کل بساط زندان و شکنجه و اعدام و در حمایت از خانواده‌های قربانیان جمهوری اسلامی باید همصدا شد و در کنار هم برای پایان دادن به کابوس چهل و یک سال از سرکوب و بی‌حقوقی و فقر و رنج مردم در ایران پایان داد. جامعه ایران آبستن خیزش‌های توده‌ای عظیم مردم انقلابی و آزادیخواه ایران است، اعتراضات و اعتصابات کارگری و توده‌ای آغاز دیگری برای برجیدن این توحش و بربریت خواهد بود. مردم این حکومت را نمی‌خواهند و باید سرنگون شود. همه اقشار و طیف‌های مختلف جامعه در کنار هم متحد و

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات منضم تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تشبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

اطلاعیه های حزب

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در روز ۵۱



روز سه شنبه ۱۴ مرداد اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد پنجاه و یکمین روز خود شد و علیرغم این همه اعتراض و فریاد، هنوز کارگران پاسخی نگرفته اند. امروز نیز کارگران مقابل فرمانداری تجمع کردند. در این تجمع کارگران با شعارهایی چون "مرگ بر اسد بیگ، مرگ بر فرماندار" انزجار و نفرت خود را نسبت به چپاولگران حاکم در هفت تپه ابراز کردند. کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به مطالباتشان به اعتصاب و اعتراضات متحدانه خود ادامه خواهند داد.

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در مرحله حساسی قرار گرفته است. فردا چهارشنبه قرار است که نمایندگان از سوی این کارگران در جلسه ویژه ای که مجلس اسلامی در مورد این موضوع برگزار میکند شرکت کنند. این نشست قرار است با شرکت شماری از مقامات استان، و همچنین نمایندگان مدیریت شرکت هفت تپه و نمایندگان شورای اسلامی و همه دار و دسته های چپاولگر حکومتی برگزار شود. روز گذشته کارگران در مجمع عمومی خود اتمام حجت کردند و اعلام کردند که برای آنها حفظ هفت تپه به معنای حفظ زندگی و شغل و معاششان است و محکم ایستاده اند. حرف کارگران اینست که با هیچگونه خصوصی سازی ای موافق نیستند و پیشنهاد فوری آنها فرستادن يك نفر از سوی دولت به آنجا و اداره هفت تپه تحت نظارت و مشورت خود کارگران است.

يك نکته قابل توجه دیگر اظهارات متناقض در خصوص پرداخت حقوق معوقه کارگران است. از جمله امیر اسدیگی قائم مقام مدیر عامل نیشکر هفت تپه و برادر امید اسد بیگی کارفرمای منفور، در آخرین اظهاراتش گفته بود که بدلیل تشکیل پرونده برای اسد بیگی و مسدود شدن حسابها، برای پرداخت حقوقهای معوقه کارگران مانع حقوقی وجود داشته است. در پاسخ به این گفته محمد باقر الفت از قوه قضائیه گفته است که این صحت ندارد و هیچ مانع حقوقی بر سر راه پرداخت دستمزد کارگران وجود ندارد. کارگران

میگویند به ما ربطی ندارد که حقوق را چه کسی پرداخت میکند ما کار کرده ایم و در قبال کارمان مزدمان را میخواهیم. این مملکت روی معادن نفت خوابیده است و ثروت بسیار است و باید تمام طلبهایمان پرداخت شود. به عنوان يك راه حل فوری کارگران خواهان این هستند که قوه قضائیه فوراً از حسابهای مسدود شده اسد بیگی، حقوقهای معوقه آنان را پرداخت کند و دستمزدها هر ماه سر وقت و یکجا و کامل پرداخت گردد. کارگران نیشکر هفت تپه علاوه بر خواست پرداخت فوری طلبهای همه بخش های کارگری و تمدید دفتر چه های بیمه شان خواستار بازگشت به کار همکاران اخراجی و متوقف کردن احضارها و تهدیدات و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزاتشان هستند.

کارگران نیشکر هفت تپه با اتکا به مجمع عمومی و تصمیم گیری شورایی خود وارد میدان شده و اجازه نمیدهند که هفت تپه به تعطیلی کشیده شود. اعتصاب پنجاه و يك روزه کارگران هفت تپه بخشی از اعتراضات گسترده کارگری نظیر اعتصاب متحدانه کارگران نفت و هپکو و کارگران شهرداری و دیگر کارگران است. نیشکر هفت تپه با اتکاء به شورایش به جلو گام بر میدارد، تجربه نیشکر هفت تپه را باید در همه جا تکثیر کرد. شوراهای سازماندهی اعتراض را باید در همه جا به پا کرد و بسوی اعتصابات سراسری گام برداشت. کل این بساط چپاول و دزدی و توحش سرمایه داری حاکم را باید جارو کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مرداد ۱۳۹۹، ۴ اوت ۲۰۲۰

پنجاهمین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

روز دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۹ اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه پنجاهمین روز خود را پشت سر گذاشت. در این روز کارگران همچون روزهای قبل در مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند و با مشتتهای گره کرده شعار دادند و فریاد زدند. اعتراضات این کارگران به مرحله حساسی رسیده است. بدنسبال سفر هیأتی سه نفره از سوی مجلس اسلامی به شوش احمد نادری یکی از این نمایندگان در گفتگو با شبکه خبری اهواز از اینکه شرکت به فردی "نا اهل" سپرده شده و دستمزد کارگران پرداخت نشده و غیره سخن میگوید و در ادامه بر واگذاری شرکت به فرد یا افرادی "اهل" تاکید میکند. او خبر از این میدهد که در روز چهارشنبه ۱۵ مرداد قرار است جلسه ای در خصوص نیشکر هفت تپه با شرکت مقامات دست اندر کار شرکت و مقامات استانی و

شورای اسلامی و نمایندگان از کارگران برگزار شود تا راه حلی برای وضعیت هفت تپه ارائه گردد. در عکس العمل به این گفته کارگران در تجمع امروز خود با بنری خطاب به دولت و مجلس و قوه قضائیه روی خواست خلع ید از بخش خصوصی تاکید کردند. کارگران اعلام کرده اند که حاضر به قبول واگذاری شرکت به بخش خصوصی و یا "خصولتی کردن" آن یعنی تحت عنوان دولتی کردن شکلی دیگری از خصوصی کردن و نیز واگذاری به تامین اجتماعی که خود کانون دزدی بسیاری بوده است نیستند. راه حل فوری که کارگران مطرح میکنند فرستادن نماینده ای از سوی دولت به این شرکت و اداره این مجتمع کارگری تحت نظارت و مشورت خود کارگران است. کارگران نیشکر هفت تپه به تصمیم گیری شورایی در مجمع عمومی شان متکی هستند. این کارگران در جلسه روز گذشته بر روی انتخاب چند نماینده از میان خود جهت شرکت در جلسه روز چهارشنبه در مجلس اسلامی که قرار است برگزار شود توافق کردند. از سوی دیگر نمایندگان کارگران با مصاحبه ها و گفتگوهای خود آنچه در نشست با هیأت سه نفره مجلس گذشته را رسانه ای میکنند. از جمله محمد خنیفر یکی از نمایندگان کارگران در یکی از کانال خبری ایرانیان چنین میگوید: "می فرمایند شرکت را ما زیان ده تحویل گرفتیم. شما بدهی شرکت را دو برابر کردید. نمایندگان واقعی کارگران را اخراج کردید. پرونده سازی انجام دادید. آقای امیر اسد بیگی میگوید حسابهای بلوکه شده باز بشود. آیا میشود که اقراض گرفته شده را که در حسابستان هست را تحویل دهید؟ خوب این خلاف قانون است. پولهایی که گرفته شده را در خصوص احداث هفت تپه انجام دادند. در صورتیکه با همان اقراض گرفته شده میتوانستند ده کارخانه هفته تپه بزنند. متأسفانه این آقایان با آمدن به هفت تپه به جز نابودی هیچ کار دیگری نکردند."

در همین حال دو نفر از کارگران نیشکر هفت تپه به اسامی کرامت پام و حسن کهنکی توسط دادگاه جمهوری اسلامی احضار شده اند و طی ابلاغیه صادر شده می بایست امروز در شعبه پنجم دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان شوش حضور یابند. فرزانه زیبای وکیل کارگران هفت تپه که وکیل این دوکارگر نیز میباشد قرار حضور در این جلسه را دریافت کرده است. اتهام این کارگران "اخلال در نظم عمومی" قید شده است.

در تجمع اعتراضی امروز نیز کارگران نیشکر هفت تپه بر اتحاد و ادامه اعتصاب تا رسیدن به مطالباتشان تاکید کردند. و دو روز سه شنبه و چهارشنبه را روزهای مهمی از

اعتراض خود خوانده و بر حضور حداکثری در تجمع تاکید گذاشتند. کارگران نیشکر هفت تپه دستمزد ماههای اردیبهشت، خرداد و تیر را طلب دارند. حقوق فروردین بخشی از کارگران فصلی نیز پرداخت نشده است. علیرغم خبر تسویه حساب دولت با تامین اجتماعی هنوز خبری از تمدید دفترچه های بیمه کارگران نیست. بعلاوه این کارگران بر بازگشت به کار همکاران اخراجی و پایان دادن به حکم صادر کردنها و احضارها و تهدیدات امنیتی تاکید دارند. ۵۰ روز اعتصاب این کارگران انعکاس اجتماعی و سراسری وسیعی داشته است. مردم شهر شوش به اشکال مختلف کمک رسانی میکنند. در حالیکه دمای گرما طاق فرساده است مردم با آوردن آب خنک برای کارگران اعتصابی و به اشکال مختلف به آنها همراهی و اعلام همبستگی میکنند.

هفت تپه سنگر مهم جنبش کارگری است. همزمان با ادامه اعتصاب هفت تپه، موج جدیدی از اعتصابات در میان کارگران نفت نیز شروع شده است که خواستهای مشابهی نظیر کارگران هفت تپه دارند. باید وسیعاً از خواستها و اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران نفت حمایت کرد. رفتن بسوی اعتصابات سراسری يك پاسخ مهم در این شرایط و برای جمع کردن کل بساط مفتخوران حاکم است. زنده باد هفت تپه! زنده باد کارگران نفت!

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مرداد ۱۳۹۹، ۳ اوت ۲۰۲۰

برگزاری مجمع عمومی کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری اعتصاب کارگران

وارد چهل و نهمین روز شد

روز یکشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۹ اعتصاب

کارگران نیشکر هفت تپه وارد چهل و نهمین روز خود شد. در این روز کارگران در مقابل فرمانداری تجمع کردند و مجمع عمومی شان بر پا نمودند. در این مجمع عادل سرخه یکی از نمایندگان کارگران از نشست روز گذشته با هیأت سه نفره مجلس که از تهران به شوش آمده بود، گزارش داد. او از اینکه نمایندگان کارگران در این نشست از همه خواستهای کارگران صحبت کرده و بر روی آنها تاکید نموده اند، گزارش داد. از جمله در این نشست نمایندگان کارگران بر روی پرداخت مطالبات همه بخش های کارگران هفت تپه، تمدید دفتر چه های بیمه، رفع مشکلات کارگران غیر نیشکری و دفع آفات و تمهید قرار دادهای

از صفحه ۹ اطلاعیه های ...

کاری آنها، بازگشت به کار کارگران اخراجی، و در راس همه خلع بد از بخش خصوصی این بخش چپاول و دزدی در هفت تپه تاکید و پافشاری کردند. نمایندگان کارگران همچنین بر ادامه اعتصاب تا پاسخگویی به خواستههایشان تاکید کرده اند. عادل سرخه همچنین از اینکه خبرنگارانی از صدا و سیما و خبرگزاری در محل حاضر بودند گزارش داد و با اعتراض اعلام کرد که در این مدت اینها کجا بودند که امروز پیدایشان شده و گفت که اینها فقط هدفشان خبری کردن آمدن هیات خودشان به شوش است و جنجال کردن بر سر آن. و نمیخواهند صدای ما را انعکاس دهند و حرفهای ما را سانسور میکنند. اما تمام حرفهای ما در این جلسه ضبط شده و موجود است.

عادل سرخه از هفت تپه به عنوان الگوی کارگری در ایران و جهان یاد کرد و تاکید کرد که کسی بدون اطلاع و رای کارگران حق ندارد در جلسه ای در مورد هفت تپه شرکت کند. او گفت که اینها میخواهند کارگر خفه شود. اما ما خفه نمیشویم و بر حفظ اتحاد کارگران تاکید کرد. سخنان او با کف زدن کارگران مورد تایید قرار گرفت و شعار هفت تپه اتحاد، اتحاد سر داده شد. در این مجمع همچنین صحبت شد که از آنها خواسته شده است که هیاتی را برای نشست با مجلس به تهران بفرستند و عادل سرخه از تجمع کنندگان سوال کرد که آیا حاضرید هیاتی را همین جا از میان خود برای شرکت در این نشست انتخاب کنیم و بفرستیم. اگر حاضرید رای دهید و شرکت کنندگان با بلند کردن دست پاسخ مثبت دادند.

از سوی دیگر در نشست نمایندگان کارگران هفت تپه با هیات سه نفره مجلس یکی از کارگران به اسم حسن کهنکی میگوید: "مشکل هفت تپه را حل کنند. نه شلاق کنند و نه زندان کنند. مگر با بگیر و ببند مشکل حل میشود. اسماعیل بخشی را یک سال زندان کردید مگر مشکل حل شد؟ مگر اعتراضات ادامه پیدا نکرد؟ من شکمم گرسنه است. مشکل کارگران حل نشود تا یک سال دیگر هم می آیم تو خیابون"

در اطلاعیه روز گذشته گزارش کردیم که حسن کهنکی به خاطر اعتصاب این کارگران جهت بازجویی و "تهفیم اتهام" اخراج در نظم عمومی "برای دوازدهم مرداد به دادگاه شوش احضار شده است. کارگران در مقابل این احضارها و تهدیدات ایستاده اند و حق و حقوقشان را طلب میکنند.

برگزاری مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی از طریق این مجمع يك سنت پیشرو و آموزنده است و دخالتگری عمومی را تضمین میکند. کارگران نیشکر هفت تپه با اتکا به این الگو يك سنت ماندگار را در جنبش کارگری و در کل جامعه پایه ریزی میکنند. از تجربیات نیشکر هفت تپه باید آموخت.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مرداد ۱۳۹۹، ۱ اوت ۲۰۲۰

اعتصاب متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه در چهل و هشتمین روز

روز ۱۱ مرداد کارگران نیشکر هفت تپه در چهل و هشتمین روز اعتصابشان در گرمای بالای ۵۰ درجه و همچون روزهای گذشته ابتدا در مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند و بعد نیز شعارگویان در سطح شهر راهپیمایی کردند.

در این روز هیات سه نفره ای تحت عنوان هیئت "نظارت" از مجلس اسلامی جهت بررسی وضعیت نیشکر هفت تپه به شوش آمده بودند. و کارگران خشمگین هفت تپه با شعارهای اعتراضی شان و با فریاد شریعتی حیا کن، خوزستان را رها کن، مرگ بر اسد بیگی به استقبال آنها رفته و حضور این هیات را به صحنه پرشور اعتراض خود تبدیل کردند. کارگران میگویند وعده و وعید کافیس و خواستههایشان را طلب میکنند.

بنا بر خبرها یکی از کارگران نیشکر هفت تپه بنام حسن کهنکی به خاطر اعتصاب این کارگران جهت بازجویی و "تهفیم اتهام" اخراج در نظم عمومی "برای دوازدهم مرداد به دادگاه شوش احضار شده است. اسد بیگی دزدی کرده است. باند مافیایی او در همدستی استاندار و رئیس دادگستری و شماری از مقامات دولتی و قوه قضایی هفت تپه را چپیده و به نابودی کشانده اند، اکنون کارگران را به اتهام "اخلال در نظم عمومی" به دادگاه احضار میکنند! شرم بر این جانیان دزد و جنایتکار.

خبر احضار حسن کهنکی بر خشم کارگران شدت داده است. کارگران خواستار پایان یافتن این نوع احضار لغو پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران معترض و بازگشت به کار اسماعیل بخشی و دیگر همکاران اخراجی خود هستند. کارگران خواستار جارو شدن بساط چپاول و غارت در هفت تپه و پرداخت فوری تمامی طلبهایشان هستند. کارگران با هرگونه خصوصی سازی ای مخالفند و پیشنهادشان اینست که به عنوان یک اقدام فوری نماینده ای از سوی دولت به این شرکت فرستاده شود و کارخانه تحت نظارت و مشورت خود کارگران اداره شود. کارگران

نیشکر هفت تپه با اتکا به تصمیم گیری شورایی در مجمع عمومی شان در مقابل اختلاسگران حاکم بر شرکت ایستاده و حق و حقوقشان را طلب میکنند. از خواستهها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعا حمایت کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مرداد ۱۳۹۹، ۱ اوت ۲۰۲۰

اعتصاب متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه وارد چهل و ششمین روز شد

صبح روز پنجشنبه کارگران نیشکر هفت تپه با تجمع مقابل فرمانداری شوش و سپس راهپیمایی در سطح شهر اعتراض و اعتصاب خود را ادامه دادند. در این روز نیز کارگران با سخنرانی هایشان و با سردادن شعار مرگ بر روحانی، مرگ بر اسد بیگی، مرگ بر فرماندار، خشم و نفرت خود را از کل دستگاه اختلاس حاکم در هفت تپه و علیه فقر و بی تأمینی ابراز کردند. در تجمع مقابل فرمانداری همه تاکید کارگران بر حفظ اتحاد و همبستگی و تداوم اعتراضاتشان بود. در این تجمع یوسف بهمنی سخنرانی کوتاهی کرد. و به اینکه هیچکس به فکر حفظ هفت تپه نیست و خود کارگر دارد در واقع هفت تپه را اداره میکند و این کارگران آبیاری و کشاورزی هستند که با کار طاقت فرسا در این گرما زمین ها را حفظ کرده اند اشاره کرد. بدنبال این سخنان تجمع کنندگان با کف زدن مراتب قدرانی خود را از کار همکارانشان در بخش آبیاری و کشاورزی ابراز کردند. همانجا کارگران اعلام داشتند که کسی حق ندارد مانع کار آنها شود و مزاحمت برای آبیاریها و کار آبیاری ایجاد کند. گفته شد که کار عوامل اختلاسگران تخریب هفت تپه است و ما نمی گذاریم. به این ترتیب کارگر هفت تپه در برابر به تعطیلی کشاندن کارخانه ایستاده و از زندگی و معیشت خود دفاع میکند. در همین راستا بعد از ظهر روز گذشته هنگامیکه کارگران مطلع شدند که کارفرما در جهت به تعطیلی کشاندن شرکت اقدام به خروج مایلرهای شرکت و فروش آنها کرده است، تعدادی از آنها باتجمع در برابر درب ترابری از خروج وسائل جلوگیری کردند

کارگران نیشکر هفت تپه در مقابله با سیاست به تعطیلی کشاندن کارخانه متحدانه ایستاده اند و این جدالی سخت با کل مافیای حاکم بر هفت تپه است و یکسر آن به حکومتیان وصل است. کارگران در تقابل با این سیاست خود وارد عمل مستقیم شده و اجازه نمیدهند سیاستهای مدیریت دزد عملی

شود. کارگران نیشکر هفت تپه خواستار کوتاه شدن دست مافیای حاکم بر هفته تپه از سر این کارخانه و فرستادن نماینده ای از سوی دولت به آنجا و اداره شرکت تحت نظارت و مشورت خودشان هستند. تصمیم گیری های این کارگران شورایی است و با اتکا به مجمع عمومی خود مبارزاتشان را به جلو میبرند. کارگران خواستار پرداخت فوری تمامی طلبهایشان، بازگشت به کار همکاران اخراجی و دیگر مطالباتشان هستند. از این مبارزات باید وسیعا حمایت کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ مرداد ۱۳۹۹، ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۰

روز چهل و پنجم اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران نیشکر هفت تپه علیرغم چهل و پنج روز اعتصاب و اعتراض، هنوز پاسخی روشن به خواستههای بحق خود نگرفته اند و متحدانه به اعتصاب خود ادامه میدهند. امروز ۸ مرداد کارگران نیشکر هفت تپه در روز ۴۵ از اعتصابشان مقابل فرمانداری تجمع کرده و سپس در خیابانهای شهر راهپیمایی کردند و شعار دادند. در این روز کارگران با فریاد يك صدای هفت تپه، هفت تپه و شعارهایی چون کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد، شریعتی حیا کن هفت تپه را رها کن صدای اعتراضشان را به دستگاه چپاول و غارت مافیایی در این مجتمع کارگری بلند کرده و بر خواستههایشان تاکید کردند. کارگران خواستار پرداخت فوری طلبهای همه بخش ها، تمدید دفتر چه های بیمه، توقف اجاره دادن زمین های کشت و توقف سیاست به تعطیلی کشاندن هفت تپه، اخراج مدیران سابق بازگردانده به کار، بازگشت به کار اسماعیل بخشی و دیگر همکاران اخراجی خود و در راس همه خلع بد از بخش خصوصی این بخش مافیایی دزد حاکم در شرکت شدند. کارگران نیشکر هفت تپه با تصمیم گیری شورایی در مجمع عمومی شان و متحد و قدرتمند ایستاده اند. از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعا حمایت کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۸ مرداد ۱۳۹۹، ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۰

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358405758250

E-mail: abdo1golparian3@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!